روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

سه‌شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۳ ■ سال سی‌وسوم ■ شماره ۹۳۵۱

چهش تولید با مشارکت مردم

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
آنکه دوری سفر (قیامت) را به یاد آرد، برای آن آماده شود.

■ اذان ظهر: ۱۲:۱۴ ■ غروب آفتاب: ۱۸:۰۸
■ اذان مغرب: ۱۸:۲۶ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۳۲
■ اذان صبح فردا: ۴:۵۶ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶:۱۹

حافظ
بر آستانه میخانه هر که یافت رهی
ز فیض جام می اسرار خانقه دانست

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
■ تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار
■ دبیر تحریریه: سیدمجتبی صادقی
■ معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■ مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■ دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
■ مدیر: حسین لطفی
■ دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■ مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
■ دبیر: لیلی خرسند

ایرانشهر:
■ دبیر: زهرا عباسی
تندرستی:
■ مدیر: عیسی محمدی
■ دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■ مدیر: ساسان شادمان
■ دبیر: زهرا خلجی
سرزمین من:
■ مدیر: محمد باریکانی

جامعه:
■ دبیر: فهیمه طباطبایی
گزارش:
■ مدیر: مسعود میر
■ دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■ مدیر: سعید موتی
■ دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
■ دبیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک:
■ دبیر: محمدعلی حلیمی

ادعُونی أَستَجِبْ لَکُم

دعای روز دهم ماه مبارک رمضان

بسم‌الله الرحمن الرحیم
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی فیهِ مِنَ الْمُتَوَکِّلینَ عَلَیْکَ وَ اجْعَلْنی فیهِ مِنَ الْفائِزینَ لَدَیْکَ وَاجْعَلْنی فیهِ مِنَ الْمُقَرَّبینَ اِلَیْکَ بِاِحْسانِکَ یاغایَةَ الطّالِبینَ.

به‌نام خداوند بخشاینده مهربان
ای خدا مرا در این روز از آنان که «در تمام امور» بر تو توکل کنند و نزد تو فوز و سعادت یابند و از مقربان درگاه تو باشند قرار ده به حق احسانت ای منتهای آرزوی طالبان.

تهران نامه

آجیل مراد طهرانی‌ها چه بود؟

ماه رمضان برای اهالی تهران قدیم با رسم دیرین آجیل‌مراد پیوند خورده بود. تهرانی‌ها روز بیست‌و هفتم ماه مبارک رمضان «آجیل‌مراد» می‌خوردند که تهیه آن آداب و رسوم خاص خود را داشت. آجیل‌مراد اگرچه مواد آشنایی چون خرما، پسته، فندق، نخودچی، بادام و شکرپنیر داشت، یک آجیل معمولی نبود. رسم بود وقتی بیست‌وهفتمین روز ماه مبارک رمضان از راه می‌رسید، مردم روزه‌دار، آجیل‌ها را از افرادی که نام‌شان محمد، علی و فاطمه است، می‌گرفتند و به‌عنوان شب‌چره پیش از سحر می‌خوردند. علاوه بر تهیه آجیل‌مراد، در این روز افرادی که حاجتی در دل داشتند از مغازه پارچه‌فروشی پارچه تهیه می‌کردند. رسم بر این بود که افراد حاجتمند تکه‌های پارچه را برای دوخت پیراهن مراد از ۴۰نفر که نامشان محمد، علی و فاطمه است، درخواست کنند. حاجتمندان پارچه‌ها را می‌دوختند و بین ۲نماز ظهر و عصر روز بیست‌وهفتم در مساجد معروف تهران قدیم، ازجمله مسجد سپهسالار و مسجد جامع بازار، به تن صاحبان حاجت می‌کردند.

سوژه روز

انگیزه‌های سرزندگی برای مدیریت شهری

چندی پیش مسیر سرزندگی به طول ۴۷ کیلومتر افتتاح شد تا تهرانی‌ها بتوانند از این طریق، ۴ بوستان را که حالا از طریق این مسیر به هم متصل شده، درنوردند تا سرزنده و سرحال شوند. باید پذیرفت که در دنیای ماشینی امروز، استفاده از وسایل نقلیه پاک و پیاده‌روی، غنیمتی است که مدیران شهری نیز این موضوع را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده‌اند. اما یکی از راه‌های ایجاد انگیزه و تشویق مسئولان، استفاده شهروندان از چنین امکاناتی است. یعنی اگر تهرانی‌ها از چنین مسیرهای حمل‌ونقل پاکی که این روزها افتتاح شده، استقبال کنند و مثلا از این پس، برای رسیدن از پارک فدک به نهج‌البلاغه، از چنین مسیر امن و پاکی استفاده کنند، مدیران کلانشهر تهران نیز انگیزه‌های بیشتری خواهند یافت و به قول و قرارهای خود برای افتتاح و افزایش چنین مسیرهایی هر چه زودتر عمل خواهند کرد.

گنج‌های سبز تهران

بررسی محبوب‌ترین، خاطره‌انگیزترین و منحصر به فردترین درخت‌های تهران، به مناسبت داغ شدن سنت درختکاری در کشور

فاطمه عباسی

اسفندماه یک مناسبت ویژه دارد؛ روز و هفته درختکاری. این رویداد نه تنها فرصتی است برای بهبود فضای شهری، بلکه یادآور میراث دیرینه و فرهنگ غنی تهران است؛ میراثی که درختان قدیمی، همچون چهل چنارهای تهران از آن حکایت دارند؛ درختانی که با تاریخچه‌ای پربار و زیبایی بصری خود جایگاهی ویژه در دل شهروندان دارند و نمایانگر ارتباط عمیق نسل‌های گذشته با طبیعت هستند.

شاید جالب باشد که بدانید تا روزگار نه چندان دور، تهران را با چنارهای معروفش که برای عابران پیاده حکم جان‌پناه را داشت می‌شناختند. کاشت چنار در تهران قدیم اقدامی نمادین هم بود. چنارها معمولا کنار حسینیه‌ها و امامزاده‌ها کاشته می‌شدند و گاهی اوقات برای پنهان کردن گنج‌ها، محدوده اطراف چنارها را انتخاب می‌کردند. حکایت تولد و بقای چنارهای قدیمی تهران که عمر برخی از آنها نزدیک به هزار سال می‌رسد و با گذشت زمان به بخشی از هویت پایتخت بدل شده‌اند بسیار خواندنی است.

چنارهای خیابان ولیعصر، نه تنها یکی از زیباترین مناظر پایتخت را خلق می کنند، که بخشی از هویت شهر هستند و تقریبا همه تهرانی ها و مهمانان شهر از آنها خاطره دارند.

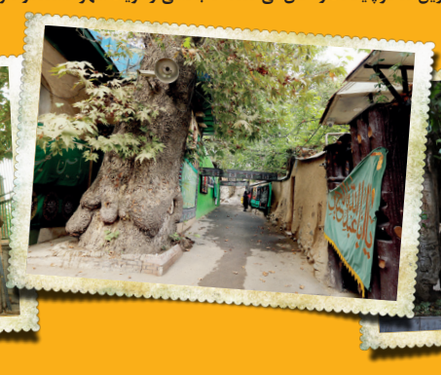

درختان هزار ساله

چنارهای جماران حدودا هزار ساله‌اند. ۲یار و یاور قدیمی که قرن‌هاست یکی در کنار حسینیه بزرگ جماران و دیگری شانه به شانه مسجد قدیمی محله، تاریخ آبادی قدیمی شمیران را به تماشا ایستاده‌اند. اهالی جماران نه تنها از گذشته‌های دور برای نشانی دادن به مسافرها از این دو چنار استفاده می‌کردند، بلکه برخی از امور روزمره‌شان هم با همین چنارها گره خورده بود.

نشان دیدنی امامزاده

در میان درختان کهنسال محله کن، درختی که در امامزاده شعیب(ع) این محله هست، بسیار دیدنی و رشک‌برانگیز است؛ درختی کهن که طبق تاریخ شفاهی نقل‌شده از اهالی، چندصد سال قدمت دارد. این درخت یکی از جاذبه‌های گردشگری این محله تاریخی است. سال ۱۳۹۹ همین درخت به‌عنوان درخت شاخص در هفته تهران شناخته شد و در بهمن‌ماه ۱۴۰۰ به ثبت ملی رسید.

درخت پیر تهران

چنار امامزاده یحیی(ع) پیرترین موجود زنده تهران در محله عودلاجان است. این چنار ۹۰۰ساله که سال ۱۳۲۰ ثبت ملی شده است، به‌دلیل سن و سال بالا، کمی آسیب دیده و به‌وسیله زنجیر بسته شده تا بیش از این در هم نشکند. ارتفاع آن چندان زیاد نیست و شباهتی هم به چنار ندارد، اما با توجه به قطر ۷متری‌اش می توان به عظمت آن پی برد.

راز درخت تا

«تا» با تنه نیرومند، ریشه‌هایی که در پی آب به دل زمین سنگلاخی نفوذ می‌کنند و رازی که انگار در سینه‌اش دارد، هنوز هم جایگاهش را محکم و استوار در آبادی‌های شمیران حفظ کرده است. این درختان صبور و مقاوم که حالا تک افتاده‌اند و کسی از قصه‌هایشان خبر ندارد، روزگاری در فرهنگ عامه شمیرانی‌ها جایگاه ویژه‌ای داشتند و هدیه طبیعت به مردمان شمیران بودند تا دل زمین‌های سخت را برای کشاورزان بشکافند.

چنار ۷شاخه

چنار ۷شاخه محله سوهانک با گذشت قرن‌ها، به هویت این محله تبدیل شده است. تاریخ‌شناس‌ها عمر این درخت را نزدیک به ۹۰۰سال تخمین می‌زنند و اگر حدس و گمان‌ها درست باشد چنار ۷شاخه سوهانک را باید یکی از ۳چنار قدیمی پایتخت بدانیم. طبق روایت‌ها ۷چنار سوهانک نخستین درختی بوده که در این محله جوانه زده و از دل خاک بیرون آمده است.

۷چنار بخشنده

۷چنار از درخت‌های مشهور شهر تهران در حوالی قلعه بریانک بود. داستان از این قرار بود که از یک ریشه آن و تنه اصلی درخت چنار، ۷ درخت چنار روییده بود که در باور عامه این رویش نشانه تقدس بود. باور عمومی به حرمت ۷چنار باعث شده بود تا در همان حوالی سقاخانه‌ای دایر شود. اهالی در ایام مذهبی سال دور این درخت جمع می‌شدند و نذری و خیرات پخش می‌کردند. حالا از آن درخت عظیم و ۷تنه تناور آن، تنها ۳ چنار به یادگار مانده است.

مکث

کهنسال‌ترین چنار شمیران

چنار امامزاده صالح(ع) در تجریش یکی از نمادهای هویتی شمیران بود که با گذشت چند دهه از قطع شدن تنه آن، هنوز هم یاد آن میان اهالی قدیمی زنده و سبز است. هنوز هم وقتی نام چنار امامزاده می‌آید، قدیمی‌های تجریش یاد پیرمردی می‌افتند که در تنه این درخت تنومند بساط چای علم می‌کرد یا مردی که بعدها در تنه پوسیده این درخت کفاشی می‌کرد و از همه غم‌انگیزتر، روزی که این چنار ۹۰۰ساله بریده شد و جایش برای همیشه خالی ماند. چنار کهنسال امامزاده صالح(ع) چنان تنومند بود که حتی سیاحان خارجی هم مجذوب آن شده بودند. دیولافوا، سیاح خارجی در سفرنامه‌اش به ایران در سال ۱۸۸۱ میلادی می‌نویسد: «در بقعه امامزاده در تجریش، چنار عجیب و غریبی هست که نظیر آن کمتر در دنیا پیدا می‌شود. قطر فوق‌العاده آن را دقیقا نمی‌توان با رقم معین کرد. محیط آن تقریبا به ۱۵متر می‌رسد. هریک از شاخه‌های آن مانند تنه درخت کهنسالی در بالای بنای بقعه و اطراف آن سر به آسمان کشیده‌است.»

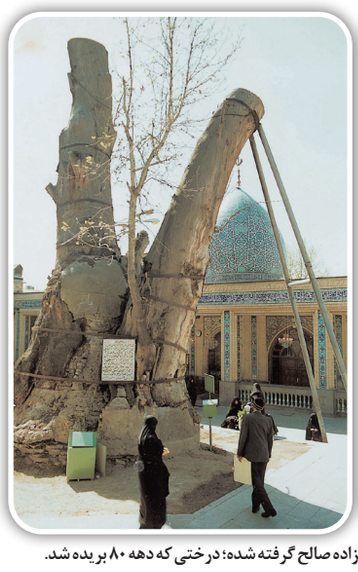

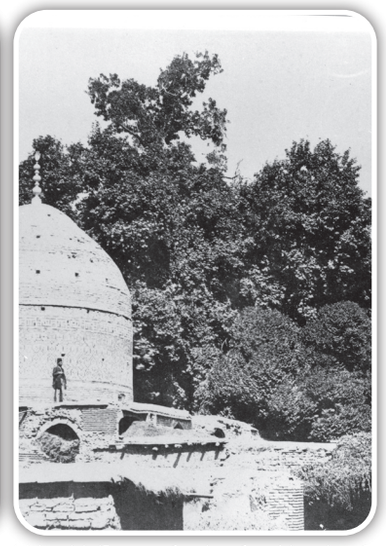

عکس راست، اولین عکسی است که در دوره قاجار از چنار امامزاده صالح گرفته شده؛ درختی که دهه ۸۰ بریده شد.

عکس‌ها: همشهری

این محله...

محمودیه؛ محله‌ای با برج‌های سر به فلک کشیده

سیدسروش طباطبایی‌پور

وقتی از بام تهران در کوهپایه توچال سرازیر شوی، چون آب چشمه‌ای روان به کوچه‌های تنگ‌وتار با برج‌های بلندبالا و خانه‌هایی ویلایی همراه با سردرهایی فخرفروش خواهی رسید که تابخواهی پنجره‌های لاکچری و سنگ نماهای گران‌قیمتش را ببینی، کلاه از سرت خواهد افتاد و حیران خواهی شد. در این کوچه‌ها بیش از درخت‌های بلندقامت، برج‌های بلندبالا جلوی دیدگانت سبز می‌شوند و با وزیدن بادی مختصر حتما نگران خواهی شد که نکند این برج‌ها به رقص بیایند و در جهت وزش باد، چپ و راست شوند و درهم تنیده!
یکی از این محله‌های بلندمرتبه، البته از نظر ارتفاع برج‌ها، محله محمودیه تهران است؛ محله‌ای که شمالش به محله ولنجک، غربش به زمین‌های اوین، شرقش به خیابان ولی‌عصر(عج) و جنوبش به پل پارک‌وی و بزرگراه شهید چمران می‌رسد.

تاریخش

در محله محمودیه در روزگار قدیم، تا چشم کار می‌کرد، به‌خاطر قنات‌ها و چشمه‌های سرشارش، باغ بود و درخت و روستاییانی که آنجا را سرسبز نگه می‌داشتند. این محله را که در آن روزگار بخشی از شمیرانات بود و حدود ۲کیلومتر با ده تجریش فاصله داشت، یکی از درباریان به نام میرزاآقاسی، کران تا کرانش را خرید و نخستین کاری که کرد، آنجا قلعه‌ای ساخت و گرداگرد آن، بارویی کشید تا رفتن به آنجا برای هرکسی ممکن نباشد. او تا جایی که توانست کاریزهای محله ولنجک را هم به سمت محمودیه منحرف کرد تا آنجا سبزتر شود. اما به سرنوشت همه اموال زودگذر دنیا که به کسی وفا نمی‌کند، محمودیه و آبادی‌اش نیز به او وفا نکرد و بعد از مرگ محمدشاه، او از ترس انتقام‌جویان راهی عراق شد و همان‌جا هم درگذشت و محمودیه در دست دیگر درباریان دست‌به‌دست چرخید.

محمودیه و دارالفنون

جالب است بدانید که تاریخ این محله به مدرسه دارالفنون تهران پیوند خورده. وقتی در تهران قجری دندانپزشکان تنها به شکل سنتی به درمان بیماران‌شان می‌پرداختند، پزشکی سوئیسی ساکن در آمریکا به نام «اتکین اشتمپ» به ایران آمد تا دندانپزشکی علمی و نوین را به دانشجویان دارالفنون آموزش دهد. او که پایش به دربار هم باز شده بود، علاوه بر طبابت، از راه خریدوفروش عتیقه هم به دارایی هنگفتی رسیده بود. در زمان رضاشاه بخشی از محله محمودیه را خرید، آن را به قطعات ۵هزار متری تفکیک کرد و زمین‌ها را به اروپاییان ساکن تهران فروخت. می‌گویند در آن روزگار در محله محمودیه که هنوز تا تهران فاصله زیادی داشت، تنها اشراف اروپایی زندگی می‌کردند و خدمتکاران‌شان!

چرا محمودیه

«محمودخان احتشام‌السلطنه» یکی از کسانی بود که بخشی از زمین‌های این محله به او ارث رسید و چون او نقش مهمی در تبدیل این محله از شکل روستایی به شکل شهری داشت، اینجا را محله محمودیه نامیدند. او مردی آزادی‌خواه، روشنفکر و تحصیل‌کرده بود و علاوه بر سمت‌های گوناگون دولتی، پس از تشکیل نخستین دوره مجلس شورای ملی، دومین رئیس مجلس شد.

اکنونش

محله محمودیه در تهران امروز البته همچنان به‌خاطر قیمت نجومی زمین‌ها و املاکش محله اعیان‌نشینان و مسکونی تهران است و جز ویلاهای آن‌چنانی و برج‌های این‌چنینی، مراکز خرید پررونقی مثل پالادیوم دارد. سرای محله، شهر کتاب الف، فرهنگسرا و تعدادی مسجد و مدرسه، نمونه‌ای از مراکز فرهنگی این محله است.